مرگ کودک ۷ ساله در سانحه رانندگی

فرهیختگان| مدیر شبکه بهداشت و درمان شهرستان صحنه از جان باختن یک کودک هفت ساله و مصدوم شدن شش نفر دیگر در حادثه خونین واژگونی خودروی پژو در محور بیستون- صحنه خبر داد. پیمان پاکزاد با اشاره به اینکه این حادثه ساعت ۲۲ سه‌شنبه رخ داده است، گفت: «سرعت زیاد دلیل این واژگونی بود. هفت نفر داخل خودرو بودند که یک دختر هفت ساله در دم جان باخت و شش نفر دیگر مصدوم شدند.» به‌گفته او، هجوم افراد و خودروهای عبوری موجب مزاحمت در عملیات امداد شد، اما با این حال پرسنل فوریت‌ها توانستند جان یکی دیگر از مصدومان را از مرگ حتمی نجات دهند، اما حال یکی از مصدومان وخیم است.

محکمه

قصاص تاوان دعوا بر سر طوطی

فروغ طباطبایی| پسر کیف‌قاپ که در درگیری با دوستش بر سر یک طوطی کاسکو، او را کشته بود دیروز پای میز محاکمه ایستاد و ابراز پشیمانی کرد.
این پسر با حکم قضایی به قصاص محکوم شد.
در جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی عبداللهی و با حضور چهار مستشار تشکیل شد، ابتدا نماینده دادستان کیفرخواست را خواند. او گفت: «محمدرضا ۲۶ ساله که چندین پیشینه کیف‌قاپی و سرقت لوازم خوردو در پرونده‌اش دارد، متهم است چهاردهم اردیبهشت ۹۳ در درگیری با دوستش به نام مجتبی که او نیز از مجرمان سابقه‌دار بود، بر سر یک طوطی کاسکو وی را کشته و با انتقال جنازه به بیمارستان قصد گمراه کردن پلیس را داشته است. اکنون با توجه به مدارک موجود در پرونده برای او اشد مجازات می‌خواهم.»
سپس پدر و مادر قربانی در جایگاه ویژه ایستادند و برای قاتل پسرشان حکم قصاص خواستند. مادر داغدار در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «پسرم برای میهمانی به خانه دوستش محمدرضا رفته بود که کشته شد. من هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم دوست صمیمی پسرم قاتل او باشد. من به هیچ قیمتی از خون پسرم گذشت نمی‌کنم و محمدرضا باید اعدام شود.»

> مجتبی می‌خواست طوطی کاسکواش را که به من سپرده بود با خودش ببرد، اما من مانع او شدم و از او خواستم اجازه دهد طوطی مدت دیگری پیش من بماند اما مجتبی قبول نکرد

نوبت دفاع به متهم که رسید، گفت: «من و مجتبی سال‌ها بود که با هم رفیق بودیم. من او را مانند برادرم دوست داشتم. چون کار درست و حسابی نداشتیم با هم کیف‌قاپی می‌کردیم و روزگارمان را می‌گذراندیم.»او در تشریح جزئیات جنایت گفت: «آن شب مجتبی به خانه‌مان آمده بود که با هم مشروب خوردیم. مجتبی می‌خواست طوطی کاسکواش را که به من سپرده بود با خودش ببرد، اما من مانع او شدم و از او خواستم اجازه دهد طوطی مدت دیگری پیش من بماند اما مجتبی قبول نکرد. هر دو حال طبیعی نداشتیم که با هم درگیر شدیم. من در یک لحظه چاقویی را که در جیبم بود بیرون کشیدم تا با آن ضربه‌ای به پیشانی مجتبی بزنم اما او سرش را کنار کشید و چاقو ناخواسته به گردنش خورد.»
این متهم ادامه داد: «همان موقع از ترسم بدن نیمه‌جان مجتبی را سوار ماشینم کردم و به بیمارستان رساندم، اما وقتی آنجا فهمیدم کار از کار گذشته است از ترس فرار کردم و بعد از اینکه پلیس از طریق دوربین مداربسته بیمارستان شماره پلاک ماشینم را پیدا کرد، مرا دستگیر کرد. به دروغ گفتم پیکر نیمه‌جان مجتبی را در یک خیابان پیدا کرده و او را به بیمارستان رساندم.»
او به‌عنوان آخرین دفاع گفت: «من واقعا قصد کشتن رفیقم را نداشتم و حالا می‌گویم شرمنده پدر و مادر مجتبی هستم.» در پایان این جلسه هیات قضایی وارد شور شد و محمدرضا را به قصاص و ۸۰ ضربه شلاق به خاطر شرب خمر محکوم کرد.

واقعه

اخاذی از کارگران افغان برای تفریح

فرهیختگان| چهار مرد جوان که در خیابان‌ها پرسه می‌زدند و با معرفی خودشان به‌عنوان مامور پلیس، از کارگران افغان اخاذی می‌کردند بازداشت شدند.
ساعت ۳ بامداد بیست‌وپنجم خرداد ماموران گشت انتظامی کلانتری ۱۴۲ کن هنگام گشت‌زنی در منطقه شهران به یک سمند با چهار سرنشین مشکوک شدند و آن را به‌طور نامحسوس تحت‌نظر قرار دادند. سرنشینان سمند اما در یک خیابان از ماشین پیاده شدند و قصد اخاذی از یک کارگر افغان را داشتند که از سوی پلیس دستگیر شدند.
مالک خودروی سمند پس از بازداشت، در کلانتری به ماموران گفت: «شب‌ها همراه دوستانم برای تفریح در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم و با استفاده از یک شوکر برقی سد راه کارگران افغان می‌شدیم. سپس خودمان را مامور معرفی می‌کردیم و از آنها اموال‌شان را می‌دزدیدیم.»
سرهنگ حسن‌رضا جوانمرد، سرکلانتر دوم پلیس پایتخت، در این باره گفت: «چهار متهم روانه بازداشتگاه شده‌اند و تحقیق از آنها ادامه دارد.»

گزارش فرهیختگان از اختلاف بر سر جای پارک مقابل دانشکده سینما و تئاتر

چشم قربانی خشم

درگیری مامور «حفاظت فیزیکی» دانشگاه هنر با جوان دانشجو به از دست رفتن یک چشم دانشجو انجامید

فرناز استادنوبری
F.nobari@fdn.ir

«از دست دادن بینایی یک چشم در درگیری بر سر جای پارک خودرو»؛ این اتفاق در هر شرایطی و هر جایی از شهر هم که رخ بدهد باز هم تعجب‌برانگیز و تا حدودی غیرقابل باور است، چه برسد در محیط دانشگاه.
حالا «حفاظت فیزیکی» دانشکده تئاتر دانشگاه هنر که یکی از همکاران‌شان باعث این رخداد بوده است می‌گوید جدال بر سر پارک خودرو یکی از دانشجویان به درازا کشید و وقتی بی‌حرمتی کرد، همکارمان با او درگیر شد.
چهارشنبه دو هفته پیش بود که یکی از دانشجویان دانشکده سینما و تئاتر قصد پارک کردن خودروی خود مقابل نرده‌های این دانشکده و چند قدم مانده به در دانشکده را داشت که با مخالفت «حفاظت فیزیکی» روبه‌رو شد.
به گفته روابط‌عمومی این دانشکده، رئیس این واحد در همان روز میهمان خارجی داشت و قرار بود هیچ‌یک از دانشجویان مقابل در دانشکده پارک نکنند و فضای مقابل دانشگاه خالی و رفت و آمد برای میهمانان راحت باشد.
این در حالی است که حسن طوفانی، دانشجویی که در این ماجرا آسیب دیده، به فرهیختگان گفت: «به هیچ‌وجه این موضوع اطلاع‌رسانی نشده بود و تنها صحبتی که «حفاظت فیزیکی» کرده بود این بود که خودروی خود را اینجا پارک نکنید.»
این دانشجوی مقطع کارشناسی رشته کارگردانی ادامه داد: «پس از اینکه با پارک کردن خودروی من در آن محل مخالفت شد علت را پرسیدم و گفتم چرا با پارک خودرو در جای قانونی مخالفت می‌کنید اما «حفاظت فیزیکی» مدام به من توهین می‌کرد و در جواب من که می‌گفتم چه کسی می‌گوید نمی‌شود اینجا پارک کرد، پاسخ می‌داد حق ندارید پارک کنید.»

عکس: فرهیختگان

می‌خواست مرا عصبانی کند اما نتوانست

طوفانی همچنین با بیان اینکه پیش از هر نوع درگیری، با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم، افزود: «قبل از اینکه به سمت من حمله‌ور شود با ۱۱۰ تماس گرفتم و از آنها خواستم بیایند و علت مخالفت این آقایان با پارک خودرو را مشخص کنند.» او ادامه داد: «هنوز ۱۱۰ به محل نرسیده بود که این نگهبان که حدود ۴۰ سال داشت چندین و چند بار به سمت من حمله‌ور شد و تمام بدنم را زخمی کرد که هنوز هم جایش مانده است.» این دانشجو همچنین گفت: «استنباط من از رفتار این نگهبان این بود که می‌خواست مرا عصبانی کند تا واکنش فیزیکی نشان بدهم که موفق نشد و همه شاهدان ماجرا در کلانتری هم شهادت داده‌اند که به هیچ‌وجه دستم را بلند نکردم. در آخر هم با مشت به شیشه عینکم کوبید و باعث پارگی یک و نیم سانتی عنبیه چشم راستم شد و قرنیه چشمم به‌شدت آسیب دیده و تقریبا هیچ دیدی با چشم راست ندارم.»

> به هیچ‌وجه دستم را بلند نکردم. در آخر هم با مشت به شیشه عینکم کوبید و باعث پارگی یک و نیم سانتی عنبیه چشم راستم شد و قرنیه چشمم به‌شدت آسیب دیده و تقریبا هیچ دیدی با چشم راست ندارم

کسانی که چهارشنبه گذشته مقابل دانشکده تئاتر در خیابان سرهنگ سخایی شاهد این ماجرا بوده‌اند نیز برخی از دانشجویان این دانشکده بودند که در صحبت با خبرنگار ما این موضوع را تایید کردند. یکی از دانشجویان سینما و تئاتر در باره مشاهداتش به فرهیختگان گفت: «من در کلانتری هم گفتم که این دانشجو کاملا آرام بود و فقط می‌گفت این محل برای پارک خودرو قانونی است و کسی نمی‌تواند مخالفت کند. هر چقدر هم نگهبان به او حمله کرد او دست‌درازی نکرد.» او افزود: «ما امتحان‌مان را تازه داده بودیم و از دانشکده خارج شدیم که دیدیم یکی از نگهبانان با او درگیر شده است.»
طوفانی درباره روند درمان چشم خود گفت: «از همان‌جا مرا به بیمارستان فارابی منتقل کردند و تا ۴۸ ساعت پیش بستری بودم. ضمن اینکه اصلا وضعیت چشمم مساعد نیست و دید ندارد.»

هزینه‌های درمان دانشجوی‌مان را می‌دهیم

اما یکی از مسئولان روابط‌عمومی این دانشکده اظهاراتی متفاوت داشت. او درباره جزئیات این خبر به فرهیختگان گفت: «آن روز رئیس دانشکده میهمان خارجی داشت و از قبل اعلام شده بود مقابل دانشگاه هیچ خودرویی پارک نشود. یکی از دانشجویان که حالا چشمش آسیب دیده قصد پارک کردن خودرو دقیقا در جایی را داشت که در آن روز ممنوع شده بود.» به گفته این مسئول روابط‌عمومی، این دانشجو با بی‌احترامی به مسئول «حفاظت فیزیکی» به رفتار خود ادامه داد و قصد داشت محل را ترک کند. او اضافه کرد: «این ماجرا بین دانشجو و کارمند «حفاظت فیزیکی» حدود نیم ساعت طول کشید و درنهایت به ضرب و شتم منجر شد. کارمند «حفاظت فیزیکی» با مشت به چشم این دانشجو کوبید که باعث شکستن عینک او و خرد شدن شیشه در چشم‌هایش شد.»
به گفته مسئولان روابط‌عمومی دانشگاه، تمام هزینه‌های درمانی این دانشجو و پیگیری‌های پزشکی از سوی معاونت آموزشی این دانشگاه انجام شده است. این دانشجو درباره هزینه‌های درمان خود نیز گفت: «بخشی از هزینه‌ها از سوی دانشگاه تامین شده و تهیه انواع داروهایی که هر روز برای چشمم ضروری است به عهده خودم است.»
پیگیری‌ها حاکی از آن است که این نگهبان بازداشت شده و در اختیار مقامات قضایی قرار دارد. به هر حال اگرچه صحبت‌های روابط‌عمومی این دانشکده حکایت از آن دارد که پارک خودرو در آن روز در آن مکان ممنوع بوده، اما حتی در صورت ممنوع بودن نیز چنین کاری غیرقانونی بوده است.

محکمه

مرگ جعلی برای فرار از جریمه میلیاردی

فرهیختگان| مردی که برای فرار از پرداخت جریمه دومیلیارد و ۸۰۰ میلیون ریالی، خودش را مرده جا زده و زندگی مخفیانه در پیش گرفته بود، بازداشت شد.
سرهنگ جعفر آژنگ، جانشین انتظامی استان کردستان، در این‌باره گفت: «در پی ارجاع یک فقره پرونده با موضوع جعل اسناد دولتی از مراجع قضایی به پلیس امنیت عمومی کردستان، پرونده برای رسیدگی در اختیار اداره پشتیبانی عملیات اطلاعاتی آن پلیس قرار گرفت.
در تحقیقات ماموران روشن شد، متهم پرونده مردی میانسال است که سال ۸۹ در مرجع قضایی به پرداخت دومیلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال جریمه در حق دولت محکوم شده است، اما برای فرار از اعمال قانون، با جعل اسناد و مدارک دولتی اقدام به تهیه گواهی فوت برای خود کرده و از آن زمان تاکنون به‌طور مخفیانه در پایتخت زندگی می‌کند.» وی ادامه داد: «ماموران با پیگیری‌های خود دریافتند متهم چندین مرتبه در طی سال برای سرکشی به اقوام و آشنایان خود به شهر سنندج تردد می‌کند که به این ترتیب محل زندگی اقوام او به‌طور نامحسوس تحت کنترل قرار گرفت و سرانجام در عملیاتی غافلگیرانه بازداشت شد.» سرهنگ آژنگ گفت: «با تحقیق از این مرد، فردی که با جعل اسناد دولتی اقدام به تهیه گواهی فوت برای او کرده بود نیز شناسایی و در شهر سنندج دستگیر شد و دو متهم با قرار قانونی روانه بازداشتگاه‌شدند.»

رویداد

جاسازی مشروبات الکلی در کنسرو لوبیا

فرهیختگان| دادستان عمومی و انقلاب شهرستان تبریز از کشف مقادیر زیادی مشروبات الکلی که با برچسب‌های کنسرو لوبیا قرار بود به تهران منتقل و از آنجا در کشور توزیع شوند، خبر داد.
موسی خلیل‌اللهی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان تبریز، در این‌باره گفت: «به دنبال دریافت گزارش‌های مردمی مبنی‌بر رفت و آمدهای مشکوک به یک انبار، مأموران اداره مبارزه با قاچاق کالا و ارز به بررسی پرداختند و با همکاری پلیس آگاهی آذربایجان شرقی، موفق به دستگیری یک مرد هنگام ورود به محل انبار شدند. در بازرسی از این انبار سه هزار و ۴۷ عدد قوطی حلبی ۱۷ کیلویی با برچسب‌های کنسرو لوبیا کشف شد.»
وی ادامه داد: «در بازرسی‌های صورت‌گرفته از محتوای قوطی‌های حلبی مشخص شد در آن مقادیر زیادی انواع مشروبات الکلی به صورت ماهرانه جاسازی شده و قرار است این قوطی‌ها که روی آنها برچسب کنسرو لوبیا چسبانده شده، به مقصد تهران ارسال و از آنجا در سطح کشور توزیع شوند.»
متهم دستگیر شده پنج فقره سابقه کیفری با موضوع مشروبات الکلی در پرونده‌اش دارد و با صدور قرار بازداشت قانونی به زندان تبریز معرفی شده تا تحقیقات از او تکمیل شود.

نجات ۵ کوهنورد در ارتفاعات توچال

فرهیختگان| سه مرد و دو زن که در ارتفاعات توچال گرفتار شده بودند با کمک آتش‌نشانان نجات یافتند.
جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران در این باره گفت: «ساعت ۲۱/۴۷ سه‌شنبه ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران از گم شدن تعدادی کوهنورد در ارتفاعات شمال تهران با خبر شد و گروه نجات آتش‌نشانی را عازم محل کرد. امدادگران آتش‌نشانی پس از طی مسافتی و جست‌وجوی آدرس یادشده، پنج کوهنورد را که سه مرد و دو زن بودند، در حوالی آبشار توچال پیدا کردند و آنها را که به علت طی مسافت طولانی دچار ضعف بدنی شده بودند، پس از امدادرسانی و کمک‌های اولیه، به پایین کوه منتقل کردند.»

فرهیختگان
سازمان آگهی و بازرگانی روزنامه فرهیختگان
در استان های زیر نماینده فعال می پذیرد برای
اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید
Province and cities agencies

- آذربایجان غربی
- اصفهان
- ایلام
- تهران
- چهارمحال و بختیاری
- سیستان و بلوچستان
- سمنان
- فارس
- قم
- کهکیلویه و بویراحمد
- گلستان
- همدان
- یزد

تلفن: ۶۶۳۴۸۰۴۶(۰۲۱)
agahi@fdn.ir

فرهیختگان
سازمان توزیع روزنامه
Department of Distribution
تلفکس: ۱۲-۶۶۳۴۸۰۱۱ (۰۲۱)
dist@fdn.ir

جدول کلمات متقاطع

۱۴۷۸

افقی

۱- ناو- پرسپکتیو ۲- برای اینکه- سنگین- بخت و اقبال ۳- سبد بزرگ میوه- یقه- عبادت ۴- هزار کیلو- بازگشت صدا- توان آخر- تحسین فرنگی ۵- نگهبان خرمن- خفته- نیم‌صدای انسان خواب ۶- ستاره بنات‌النعش- از القاب حضرت فاطمه(س)- تکان و جنبش ۷- اوراق درسی- پایتخت بحرین- جامه صاف می‌کند ۸- برگه بهادار- بی‌مورد- جای تنهایی ۹- مسافرخانه مدرن- خوردنی همراه غذا- داخل ۱۰- باقلای مصری- عقیم- ید ۱۱- چاشنی غذا- مدرک زیردیپلم- دف ۱۲- رادار زیردریایی- حرف تردید- از انواع مدل ماشین- اثر چربی ۱۳- دیوار بلند- برگشت‌پذیری- سفره چرمی ۱۴- پسران فریدون- دیلم- از شهرهای ایلام ۱۵- از چین‌خوردگی زمین- نوعی سینمای فصلی

عمودی

۱- نوعی گل خاردار- از اثرهای معروف عبدالرحمن جامی ۲- گریه و زاری- دوری گزیدن از وطن- حصیر ۳- دیوار بلند- سنگ محک- کلک ۴- دوستان- پوستین- شیوا- پدربزرگ ۵- بالابر ماشین- سبو- زن گندمگون ۶- شاهد- عابد و زاهد- واحد احشام ۷- قبر- مطابق قاعده- ترشی‌بادمجان ۸- حتم- کیسه- دستمزد ۹- فرشته موکل بر آهن- نیاکان- لیکن ۱۰- زنگ چهارپایان- سیب آذری است و نیز فیلمی از اکبر صادقی- کشاورز ۱۱- نسل پنجم- خالو- درخت مورد ۱۲- باران اندک- راز نهفته- درازگوش- حدیث ۱۳- الهه ماه سومریان- بنیان- دارو ۱۴- از بین رفته- پایتخت تونس- درخشان ۱۵- بیماری فقدان ویتامین C- زبان مردم کشور ترکمنستان

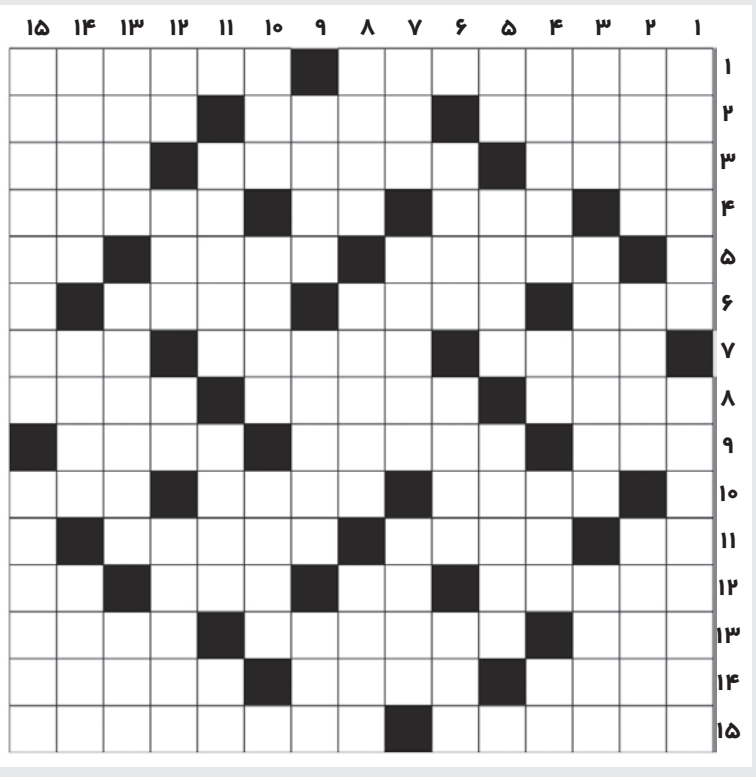
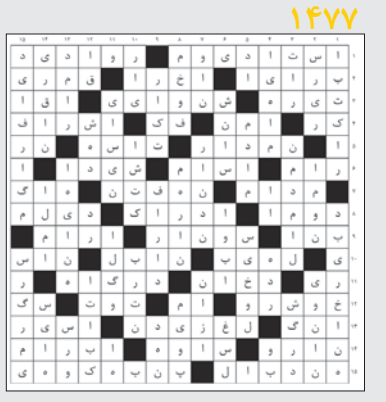
۱۴۷۷